

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۶

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۸

سال هشتم، شماره ۳۱، پاییز ۱۳۹۳

شرایط عصر غیبت و الزامات اخلاقی آن

نصرت الله آیتی*

چکیده

مؤمن منتظر - به اقتضای برخورداری از ایمان و تقوای الهی - متخلق به اخلاق اسلامی و مؤدب با آداب دینی است. با این حال، در روایات مربوط به عصر انتظار، گاه بر صفات اخلاقی خاصی تأکید شده و به نظر می‌رسد این تأکید به دلیل شرایط ویژه این دوران بوده است. در این عصر مشکلات و مسائلی خاص وجود دارد که منتظران برای رویارویی درست با آن، باید در خود صفات اخلاقی به خصوصی را توسعه داده و تقویت نمایند. با این نگاه، منشور اخلاقی عصر غیبت تدوین می‌شود که می‌توان از آن به عنوان اخلاق کاربردی عصر غیبت نیز یاد کرد. برخی از این صفات اخلاقی عبارت‌اند: از بردباری، رجا، تسلیم، عفت و مواسات.

در نوشتار پیش رو، تلاش شده است چرایی تأکید پیشوایان معصوم بر این صفات اخلاقی توضیح داده شود و ضرورت تقویت این صفات با توجه به شرایط عصر غیبت تحلیل گردد.

واژگان کلیدی

اخلاق، اخلاق کاربردی عصر غیبت، صبر، رجا، تسلیم، عفت.

مقدمه

امروزه شاهد تأسیس رشته جدیدی در مطالعات اخلاقی به نام «اخلاق کاربردی» هستیم. برای اخلاق کاربردی معانی متعددی بیان شده است؛ اما به صورت خلاصه می‌توان این اصطلاح را چنین توضیح داد:

اخلاق کاربردی درباره مسائلی همچون محیط زیست، سقط جنین، قتل ترحمی، شبیه‌سازی، معضلات اخلاقی، مدیریت شهروندی، مهاجرت، حقوق حیوانات، نژادپرستی، تبعیض جنسی، خشونت و جنگ و... بحث می‌کند. وقتی فیلسوفان به جای تعیین درستی و نادرستی امور در کلی‌ترین حالت‌ها به دنبال تشخیص رفتارها و عملکردهای اخلاقی درست در این‌گونه موارد و حیطه‌های خاص باشند، درگیر اخلاق کاربردی شده‌اند. بنابراین اخلاق کاربردی در پی یافتن قواعدی خاص تر از قواعد عام اخلاقی است که در شرایط ویژه و موضوعات و موارد مشخص تر و جزئی‌تر کارایی داشته باشد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷: ۲۴۵).

به تعبیر ساده‌تر، اخلاق کاربردی در حقیقت درصدد آن است که کاربرد و اعمال منظم و منطقی نظریه اخلاقی را در حوزه مسائل اخلاقی خاص نشان دهد. مباحثی مانند اخلاق دانش‌اندوزی و علم‌اندوزی، اخلاق پژوهش، اخلاق نقد، اخلاق گفت‌وگو، اخلاق محیط زیست، اخلاق سیاست، اخلاق جنسی، اخلاق همسرداری و اخلاق معیشت را می‌توان از مباحث مربوط به اخلاق کاربردی به شمار آورد.

بر اساس آن چه گذشت، به نظر می‌رسد دوران غیبت را نیز می‌توان به عنوان یک موضوع خاص از این جهت مطالعه کرد؛ چرا که این دوران شرایط و ویژگی‌های خاص خود و به تبع آن، مشکلات و دشواری‌های مخصوص به خود را دارد. بنابراین مواجهه مطلوب با این شرایط و گذر از دشواری‌ها و مشکلات آن، نیازمند تدوین اخلاق متناسب با آن است. بنابراین بحث از اخلاق کاربردی عصر غیبت می‌تواند صورتی منطقی و قابل دفاع داشته باشد. در این نوشتار تلاش خواهد شد با توجه به شرایط عصر غیبت و دشواری‌های آن و نیز با نظر به رسالت‌هایی که منتظران در این دوران بر عهده دارند، الزامات اخلاقی متناسب با این دوران تبیین و تحلیل گردد.

طرح مسئله

از جمله مهم‌ترین رسالت‌های انبیا در طول تاریخ، تهذیب نفوس و تکامل اخلاق انسان‌ها

بوده است، تا جایی که خاتم سلسله انبیا علیهم السلام عصاره تمامی اهداف بعثت خود را تکمیل مکارم اخلاق معرفی فرمود.^۱ این فرمایش، جایگاه و اهمیت مسئله اخلاق را در نظام ارزشی اسلام به خوبی نمایان می‌کند.

نظام اخلاقی اسلام، افزون بر سامان دادن اخلاق فردی انسان‌ها، تمامی حوزه‌های روابط اجتماعی را نیز پوشش می‌دهد و انسان متخلقی که براساس آموزه‌های وحیانی تربیت می‌شود و به فضایل اخلاقی آراسته می‌گردد، در تمام روابط خود و در تمام شرایط و موقعیت‌ها به اصول اخلاقی پای بند است و در سرزمین وجود او منطقه‌ای عاری از تعهدات اخلاقی را نمی‌توان یافت. با این حال، گاه شرایط و موقعیت‌های خاص مقتضی آن است که صفت یا صفات اخلاقی ویژه‌ای در او برجسته‌تر و نمایان‌تر باشد. فردی که در جامعه‌ای قحطی زده زندگی می‌کند و مدام با سختی‌ها دست و پنجه نرم می‌کند و از سوی دیگر، با انبوهی از هم‌نوعان نیازمند و خواسته‌ها و نیازمندی‌های آنان مواجه است، برای متخلق بودن به اخلاق اسلامی باید در او صفاتی اخلاقی همچون صبر و گذشت و مواسات و عهده‌داری برجسته‌تر باشد؛ در صورتی که همین انسان مؤمن، در شرایط رفاه و با زندگی در جامعه‌ای مرفه، برای متخلق بودن باید در خود ویژگی‌های اخلاقی دیگری همچون قناعت، زهد و... را تقویت کند. بنابراین یک انسان مؤمن به تناسب موقعیت‌های مختلف به سطوح گوناگونی از صفات اخلاقی نیاز دارد، بلکه گاه شرایط باعث می‌شوند پاره‌ای از خلق و خواها زمینه ظهور و بروز پیدا کنند؛ در حالی که بدون قرار گرفتن مؤمن در آن شرایط به صورت طبیعی بستری برای ظهور آن صفت اخلاقی وجود نداشت. به عنوان مثال، وقتی جامعه منتظر موفق به تشکیل حکومت دینی می‌شود، این شرایط جدید هم برای حاکم جامعه اسلامی و هم برای کارگزاران حکومت موقعیت جدیدی است که الزامات اخلاقی خاص خود را دارد و چه بسا بدون تحقق این شرایط، زمینه‌ای برای بروز صفات اخلاقی متناسب با این شرایط وجود ندارد و البته شرایط - همچنان که در شکل‌گیری و تقویت یک خصلت اخلاقی تأثیرگذارند - گاه تعیین‌کننده کیفیت یک عمل اخلاقی نیز هستند. اگر در شرایطی مواسات با بخشش از سود سرمایه باشد، چه بسا در شرایط دیگر، بدون هزینه کردن از اصل سرمایه نتوان حق مواسات را به جا آورد!

براساس آن چه گذشت، این پرسش قابل طرح خواهد بود که با توجه به شرایط خاص عصر

۱. انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۶، ۲۱۰)

غیبت، در یک مؤمن منتظر - که در عصر غیبت زندگی می کند - چه ویژگی های اخلاقی ای باید برجسته تر و استوارتر باشد و این شرایط خاص برای مؤمن چه الزامات اخلاقی ویژه ای را ایجاد می کند؟ به تعبیر دیگر، در این که مؤمن در هر شرایط و موقعیتی به فضایل اخلاقی آراسته است تردیدی نیست؛ اما آیا می توان ادعا کرد شرایطی ویژه که در دوران عصر غیبت وجود دارد اقتضای آن را دارد که برای رویارویی درست با این شرایط، برخی از صفات اخلاقی تقویت شوند یا کیفیت بروز و ظهورشان متفاوت شوند. اگر پاسخ مثبت است، اولاً آن صفات کدام اند و ثانیاً بر اساس چه تحلیلی می توان این تفاوت را توضیح داد؟

پاسخ به پرسش پیش گفته، زمینه را برای زیست اخلاق مدارانه در عصر آکنده از ابتلائات و فتنه های آخرالزمان فراهم خواهد کرد و به مؤمنان خواهد آموخت که اگر بخواهند در این شرایط دشوار بر مدار اخلاق و فضیلت ها حرکت کنند، باید در وجود خود کدام یک از فضیلت های اخلاقی را تقویت نمایند؟ به بیان دیگر، چنین موقعیت هایی آزمون هایی جدید هستند که مؤمن برای سربلندی در آن نیازمند مجهز بودن به ابزار مناسب با آن است و در صورتی که خود را برای مواجهه با آن آماده نکرده باشد و خلق و خوی متناسب با آن را در خود به وجود نیاورده یا تقویت نکرده باشد، از لغزش در امان نخواهد بود. نمونه تاریخی این واقعیت را می توان در دوره فتوحات در صدر اسلام جست و جو کرد که با فتح ایران و جنگ با روم سیل غنایم جنگی به سمت دنیای اسلام سرازیر شد، اما نه حاکمان و نه توده مردم، خود را به لحاظ اخلاقی برای رویارویی با این شرایط آماده نکرده بودند و به همین دلیل از آفات آن در امان نماندند. شاید یکی از اسرار تأکید فراوان امیر مؤمنان بر مسئله زهد در نهج البلاغه ضرورت تقویت این صفت نفسانی با توجه به شرایط آن دوران باشد!

حل مسئله یاد شده می تواند بستری باشد تا مدیران فرهنگی و متولیان تربیت جامعه برای تقویت صفات اخلاقی مورد نیاز برنامه ریزی کرده و راهکارهای مناسبی ارائه نمایند.

برای پاسخ به پرسش یاد شده از این نکته نباید غافل شد که مؤمن منتظر هم از این نظر که خود در شرایط سخت و طاقت فرسای غیبت و آماج فتنه ها و دشواری هاست، نیازمند مجهز شدن به فضیلت هایی است تا در این شرایط استوار بماند و هم از این نظر که در برابر جامعه مؤمنان مبتلا و فتنه زده وظایفی دارد، باید در وجود خود فضیلت هایی را تقویت کند تا بتواند از دیگران نیز دستگیری کند؛ همچنان که با توجه به آرمان ها و اهداف یک منتظر درباره زمینه سازی ظهور و اقتضائات رسیدن به این اهداف، می توان فضایل اخلاقی متناسب را شناسایی کرد. بنابراین در مقام کشف فضایل اخلاقی مورد نظر باید به هر سه جنبه یاد شده

توجه داشت.

شرایط عصر غیبت

عصر غیبت - که دوران محرومیت جامعه مؤمنان از بهره‌مندی مستقیم از حضور امام معصوم است - با خود مشکلات و دشواری‌های بسیاری به همراه دارد. برای شناخت این مشکلات، هم از یک سو می‌توان به روایات مراجعه کرد و از آن چه پیشوایان معصوم درباره شرایط عصر غیبت و ابتلائات و فتنه‌های آن فرموده‌اند بهره برد، هم می‌توان با نگاه به تاریخ عصر غیبت، مشکلاتی که مؤمنان در طول این دوران پرفراز و نشیب داشته‌اند را شناسایی کرد و هم می‌توان به جایگاه امام معصوم توجه داشت و مشکلات ناشی از غیبت را از این منظر به دست آورد؛ چرا که امام در زمان حضور خود به صورت مستقیم عهده‌دار هدایت مؤمنان و تربیت نفوس و تبیین و تفسیر معارف دینی و مدیریت جامعه ایمانی و... است و روشن است زمانی که امام ناگزیر رخ در نقاب غیبت می‌کشد، پی‌گیری این مسئولیت‌ها دچار خلأهایی می‌شود و در نتیجه جامعه مؤمنان با مشکلاتی دست به گریبان خواهد شد. برخی از این مشکلات بدین قرارند:

۱. سستی بنیان‌های اعتقادی

از جمله شئون امام، مرجعیت علمی جامعه و پاسخ به دغدغه‌های فکری و عقیدتی مردم است. بنابر از یک سو غیبت این پایگاه اندیشه، سبب می‌شود بسیاری از پرسش‌ها و ابهامات جامعه اسلامی بدون پاسخ بماند و موجب تزلزل بنیان‌های اعتقادی گردد. از سوی دیگر، این‌که غیبت امام معصوم برای برخی نامأنوس جلوه می‌کند، پرسش‌هایی در ذهن می‌نشانند و نیز به دلیل رمزآلود بودن ابعاد زندگی امام همچون عمر طولانی آن حضرت و مدیریت پنهانی که اعمال می‌کند و... ذهن‌های نامأنوس با فرهنگ اهل بیت را موجی از شبهات فرامی‌گیرد، باب‌های جدیدی از شبهات را می‌گشاید و در نتیجه موجب سست شدن بنیان‌های اعتقادی می‌شود. از امام حسین علیه السلام در این باره چنین روایت شده است:

مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا أَوْلَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَآخِرُهُمُ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي، وَهُوَ الْإِمَامُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ، يُحْيِي اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا، وَيُظْهِرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، لَهُ عَيْبَةٌ يَرْتَدُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَيَثْبُتُ فِيهَا عَلَى الدِّينِ آخَرُونَ... (صدوق، ۱۴۰۵: ج ۱، ۳۱۷)

از خاندان ما دوازده مهدی خواهد بود که اولین آن‌ها امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب است و آخرین آن‌ها نهمین از فرزندان من است و او امام قائم به حق است و خدای

تعالی زمین را به واسطه او پس از مرگ زنده کند و دین حق را به دست او بر همه ادیان چیره نماید، گرچه مشرکان را ناخوش آید. او را غیبتی است که اقوامی در آن مرتد شوند و دیگرانی در آن پابرجا باشند....

امام حسن عسکری علیه السلام وضعیت آن دوران را چنین به تصویر می کشد:
احمد بن اسحاق می گوید: به حضرت عرض کردم: ای فرزند پیامبر خدا، آیا غیبت او به درازا خواهد کشید؟ فرمود:

إِي وَرَبِّي حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرَ الْقَائِلِينَ بِهِ وَلَا يَبْقَى إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ
عَهْدَهُ لَوْلَايَتِنَا وَكَتَبَ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ؛ (همو: ۳۸۵)
به خدا سوگند چنین است تا آن جا که بیشتر معتقدان به او بازگردند و باقی نماند مگر کسی که خدای تعالی عهد و پیمان ولایت ما را از او گرفته و ایمان را در دلش نگاشته و با روحی از جانب خود مؤید کرده باشد.

۲. حیرت و تردید

از دیگر مشکلات عصر غیبت، گسترش حیرت و تردید است تا جایی که به دلیل گسترش بیش از حد این بلیه در ابتدای عصر غیبت، عالمان شیعه از آن دوران با عنوان عصر حیرت یاد می کنند. این وضعیت - ولو با همت عالمان شیعه - از جامعه شیعه رخت بربست و در جامعه شیعه تردیدها نسبت به اصل وجود امام مهدی علیه السلام از میان رفت، لیکن سطوحی از آن نسبت به سایر حوزه های معرفتی همچنان پابرجا ماند؛ چرا که به صورت طبیعی وقتی که جامعه از نعمت امام آشکار - که سینه اش معدن علوم الهی است - محروم شود، بسیاری از پرسش ها و دغدغه هایش پاسخی درخور نخواهد یافت.

حسن بن محبوب می گوید: امام رضا علیه السلام به من فرمود:

يَا حَسَنُ! سَيَكُونُ فِتْنَةٌ صَمَاءٌ صَيَلِمَ يَذْهَبُ فِيهَا كُلُّ وَلِيحَةٍ وَبِطَانَةٍ، وَذَلِكَ عِنْدَ فَقْدَانِ
الشَّيْبَةِ الثَّلَاثِ مِنْ وُلْدِي، يَحْرَنُ لِقَدْرِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، كَمَ مِنْ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ
مُتَأْتِفٍ مُتَلَهِّفٍ حَيْرَانَ حَزِينٍ لِقَدْرِهِ...؛ (نعمانی، ۱۴۲۲: ۱۸۶)

ای حسن، در آینده ای نه چندان دور، گرفتاری شدید و مصیبت باری - که گوش از شنیدن فریاد کرو و تیغش برنده است - واقع خواهد شد که دوستی ها و همرازی ها از میان خواهد رفت و آن زمانی است که شیعه چهارمین فرزندم را از دست بدهد، که برای ناپدید شدن او اهل آسمان و زمین جملگی اندوهگین شوند؛ چه بسیار مرد و زن با ایمان که به دلیل ناپیدایی اش متأسف و غمناک و سرگردان و دل تنگ شوند...!

۳. سستی بنیان‌های اخلاقی

از دیگر مشکلات دوران غیبت، کم‌فروغ شدن ارزش‌های الهی و انسانی در جامعه و گسترش روزافزون فساد و بی‌بندوباری و کاسته شدن از تقید به مناسک دینی است در این دوران که جامعه مؤمنان در اقلیت است و از هر سو مورد هجوم بوق‌های تبلیغاتی جبهه شیطان قرار دارد، آرام‌آرام فضیلت‌های اخلاقی توسط بخش قابل توجهی از جامعه به فراموشی سپرده می‌شوند.

محمد بن مسلم می‌گوید: به امام محمد بن علی الباقر علیه السلام عرض کردم: ای فرزند پیامبر خدا، قائم شما کی خروج خواهد کرد؟ فرمود:

إِذَا تَشَبَّهَ الرَّجَالُ بِالنِّسَاءِ، وَ النَّسَاءُ بِالرِّجَالِ، وَ اكْتَفَى الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ، وَ النَّسَاءُ بِالنِّسَاءِ، وَ رَكِبَ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ السُّرُوجَ، وَ قُبِلَتْ شَهَادَاتُ الزُّورِ، وَ رُدَّتْ شَهَادَاتُ الْعُدُولِ، وَ اسْتَحَفَّ النَّاسُ بِالذِّمَاءِ وَ ارْتَكَبَ الزِّنَاءَ وَ أَكَلَ الرِّبَا، وَ اتَّقَى الْأَشْرَارَ مَخَافَةَ أَلْسِنَتِهِمْ...؛
(صدوق، ۱۴۰۵: ج ۱، ۲۳۱)

آن‌گاه که مردان به زنان تشبیه کنند و زنان به مردان، و مردان به مردان اکتفا کنند و زنان به زنان، و صاحبان فروج برزین‌ها سوار شوند و شهادت‌های دروغ پذیرفته شود و شهادت‌های عدول مردود گردد و مردم خون‌ریزی و ارتکاب زنا و رباخواری را سبک شمارند و از اشرار به خاطر زبان‌شان پرهیز کنند....

۴. تشتت و پراکندگی

از دیگر مشکلاتی که در دوران غیبت جامعه شیعه بدان مبتلا می‌شود، تشتت و پراکندگی است. ریشه این مشکل را عمدتاً باید در فقدان پیشوا - که محور اتحاد است - جست‌وجو کرد.

ابان بن تغلب می‌گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود:

كَيْفَ أَنْتَ إِذَا وَقَعَتِ الْبُطْشَةُ بَيْنَ الْمَسْجِدَيْنِ، فَيَأْرِزُ الْعِلْمُ كَمَا تَأْرِزُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا، وَ اخْتَلَفَتِ الشَّيْعَةُ وَ سَمِيَ بَعْضُهُمْ كَذَّابِينَ...؛ (کلینی، ۱۳۶۷: ج ۱، ۳۴۰)

چگونه باشی زمانی که حمله سختی میان دو مسجد واقع شود و علم و دانش برچیده شود، مانند ماری که به سوراخ خود می‌پیچد؛ و میان شیعیان اختلاف افتد و یکدیگر را دروغ‌گو خوانند....

۵. نزاع و درگیری

شکاف میان صفوف مؤمنان همیشگی نخواهد بود و شیطان آن را با عداوت و کینه پر خواهد کرد. بنابراین پراکندگی و اختلاف در بسیاری از مواقع به نزاع و درگیری خواهد انجامید.

عمیره می گوید: از امام حسین علیه السلام شنیدم که فرمود:

لَا يَكُونُ الْأَمْرُ الَّذِي تَنْتَظِرُونَهُ حَتَّى يَبْرَأَ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ، وَيَتَّفُلُ بَعْضُكُمْ فِي وُجُوهِ بَعْضٍ، وَيَشْهَدَ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ بِالْكَفْرِ، وَيَلْعَنُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا. فَقُلْتُ لَهُ: مَا فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ مِنْ خَيْرٍ؟ فَقَالَ الْحُسَيْنُ علیه السلام: الْحَيْرُ كُلُّهُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ، يَأْتِي قَائِمًا وَيَدْفَعُ ذَلِكَ كُلَّهُ؛ (نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۱۳)

آن امر که شما انتظارش را می کشید واقع نخواهد شد تا این که برخی از شما از دیگری بیزار می شوید و بعضی از شما در روی دیگری آب دهان اندازد و برخی از شما بر کفر دیگری شهادت دهد و بعضی از شما عدّه دیگر را نفرین و لعن کند. پس به آن حضرت عرض کردم: خیری در چنین زمانی نیست. امام حسین علیه السلام فرمود: تمامی خیر در همان زمان است؛ قائم ما قیام می کند و همه این ها را از بین می برد.

از امام صادق علیه السلام نیز چنین روایت شده است:

لَا يَكُونُ ذَلِكَ الْأَمْرُ حَتَّى يَتَّفُلَ بَعْضُكُمْ فِي وُجُوهِ بَعْضٍ، وَ حَتَّى يَلْعَنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا، وَ حَتَّى يُسَمِّيَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا كَذَّابِينَ؛ (همو: ۲۱۴)

آن امر واقع نخواهد شد تا این که برخی از شما در روی بعضی دیگر آب دهان اندازد و تا این که برخی از شما دیگری را لعن کند و تا این که گروهی از شما گروه دیگر را دروغ گو بنامد.

۶. شدت یافتن هجمه ها و دشمنی ها

در این دوران، شیعه به مثابه گله ای بدون چوپان خواهد بود که هم ضعیف است و هم در اقلیت و این وضعیت طمع گرگ ها را برای هجوم و دریدن بر خواهد افروخت. به همین دلیل است که هرچه زمان ظهور نزدیک تر می شود، نیاز به تقیه - که ناشی از شدت گرفتن دشمنی هاست - بیشتر خواهد شد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

كُلَّمَا تَقَارَبَ هَذَا الْأَمْرُ كَانَ أَشَدَّ لِلتَّقِيَّةِ؛ (کلینی، ۱۳۶۷: ج ۲، ۲۲۱)

هرچه زمان این اتفاق نزدیک تر شود، تقیه شدیدتر خواهد شد.

۷. یأس و سرخوردگی

بر فهرست مشکلات پیش گفته باید مشکل یأس و سرخوردگی را نیز افزود؛ چرا که با به دارا کشیدن غیبت، جوانه امید در دل های بسیاری می خشکد و ایمان به تحقق وعده الهی رو به افول می رود.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

... فَخُرُوجُهُ إِذَا خَرَجَ عِنْدَ الْيَأْسِ وَالْفُتُوحِ مِنْ أَنْ يَرَوْا فَرَجًا...؛ (نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۶۳)
و خروج آن حضرت؛ هنگامی که خروج می کند همزمان با یأس و ناامیدی مردم از دیدن فرج است...

منصور بن یونس می گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود:

يَا مَنْصُورُ! إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْدَ إِيَاسٍ وَلَا وَاللَّهِ حَتَّى تُمَيِّزُوا وَلَا وَاللَّهِ حَتَّى تُمَخَّصُوا وَلَا وَاللَّهِ حَتَّى يَشْفَى مَنْ يَشْفَى وَيَسْعَدَ مَنْ يَسْعَدُ؛ (کلینی، ۱۳۶۷: ج ۱، ۳۷۰)
ای منصور، این امر به شما نمی رسد مگر بعد از ناامیدی و نه به خدا سوگند [به شما نمی رسد] تا [خوب از بد] جدا شوید و نه به خدا سوگند تا بررسی شوید و نه به خدا سوگند تا شقی به شقاوت رسد و سعید به سعادت.

آن چه گذشت گوشه ای از مشکلات و دشواری هایی بود که منتظران عصر غیبت به آن مبتلا هستند. حال پرسش این است که در برابر هجوم این سیل فتنه ها و ابتلائات باید به سلاح چه اخلاقی مجهز بود، زره آهنین چه فضیلت های اخلاقی را باید به تن کرد، خاکیز کدام فضیلتی را باید تقویت کرد و بالاتر برد تا در این میدان رزم نفس گیر بتوان تاب آورد و استوار و پابرجا ماند؟

صفات اخلاقی متناسب با شرایط عصر غیبت

۱. صبر

از جمله سفارش هایی که منتظران نسبت به آن توصیه موکد شده اند، بردباری است. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این باره فرمود:

يا جندب! في زمن كل واحد منهم سلطان يعتريه ويؤذيه، فإذا عجل الله خروج قائمنا ميلاً الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً. ثم قال عليه السلام: طوبى للصابرين في غيبته، طوبى للمتقين على محبتهم؛ (خزاز قمی، ۱۴۰۱: ۶۰)

ای جندب، در زمان هریک از آنان پادشاهی است که آنان را اذیت می کند. پس چون خداوند در خروج قائم ما تعجیل کرد، زمین را سرشار از عدل و داد کند آن چنان که آکنده از ظلم و ستم شده است. سپس فرمود: خوشا به حال کسانی که در زمان غیبتش بردباری می ورزند! خوشا به حال آنان که بر طریق آنان تقوا پیشه می کنند!

در نامه منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام برای صدوق اول نیز چنین آمده است:

... وَ عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ وَ انْتِظَارِ الْفَرَجِ فَإِنَّ التَّيِّبَ صلی الله علیه و آله قَالَ: أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي انْتِظَارُ الْفَرَجِ،

وَلَا تَزَالُ شَيْعَتُنَا فِي حُزْنٍ حَتَّى يَطْهَرَ وَلَدِي الَّذِي بَشَّرَ بِهِ النَّبِيُّ ﷺ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا. فَاصْبِرْ يَا سَيِّدِي وَ أَمْرٌ جَمِيعٌ شِيعَتِي بِالصَّبْرِ فَ (إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ) (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ج ۲، ۵۲۷)

... همچنین تو را به صبر و پایداری و انتظار فرج توصیه می‌کنم؛ زیرا پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «بهترین کارهای امت من، انتظار فرج است». و شیعیان ما همواره در غم و اندوه به سر می‌برند تا فرزندم ظهور کند؛ همان کسی که پیامبر ﷺ بشارت آمدنش را داده است. او زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است.

پس بار دیگر تو را به صبر و استقامت توصیه می‌کنم و تو نیز همه شیعیان و پیروان مرا به صبر و استقامت فرمان بده. «به راستی زمین از آن خداست و آن را به هر کس از بندگان که بخواهد به ارث می‌دهد و عاقبت از آن پرهیزگاران است».

توصیه اکید به صبر و لزوم برخورداری از این فضیلت اخلاقی را می‌توان از جهات مختلفی تحلیل کرد:

الف) مؤمن منتظر از آن نظر که خود در معرض لغزش است و هر لحظه این امکان وجود دارد که ابتلائات و فتنه‌های آخرالزمان او را از مسیر حق منحرف کند برای استوار ماندن در مسیر حق نیازمند صبوری و بردباری و ورزیدن است و از آن جا که در این شرایط سخت استواری بر مسیر حق سخت است، امام پس از توصیه به صبر، از تقوا و ورزیدن در مسیر اهل بیت سخن می‌گوید (طوبی للصابرین فی غیبتہ، طوبی للمتقین علی محبتهم). البته این فضیلت باید در او به اندازه‌ای تقویت شود که متناسب با هدف بلند او و مسیر سخت و طولانی پیش روی او باشد، به اندازه‌ای که هم پای رفتن به سمت آن هدف بلند را داشته باشد و هم مشقت‌های راه و دراز بودن مسیر مانع حرکت او نشود.

ب) چنان‌که گذشت در عصر غیبت جامعه به مشکل سست شدن بنیان‌های اعتقادی و اخلاقی مبتلا می‌شود و در این شرایط عده‌ای باید عهده‌دار تعلیم و تربیت شوند تا از کاروان جامانده‌ها و از جاده دور شده‌ها را دستگیری کنند. از سوی دیگر، دلدادگان ولی خدا که می‌دانند باید برای ظهور ولی خدا زمینه‌ها را فراهم کرد و جامعه را برای آمدنش مهیا نمود و در دل انسان‌ها بذر محبت او را کاشت و همت‌هایشان را برای همراهی با او و اهدافش استوار کرد، دست به کار می‌شوند و انسان‌ها را برای این آرمان بلند تربیت می‌کنند و روشن است که انجام این مسئولیت‌ها سینه‌های فراخ و شانه‌های ستبر می‌خواهد و بدون برخورداری از صبر پیامبرگونه نمی‌توان مشکلات این مسیر را تحمل کرد؛ صبر بر جهل و غفلت خلاق و چموشی

آن‌ها و سستی و تنبلی‌شان.

ج) جامعه مؤمنان در عصر غیبت باید انسجام و یک‌پارچگی خود را حفظ کند، در برابر دشمنی‌ها مقاومت ورزد و مشکلات معیشتی و اقتصادی موجب جدا شدن افراد از این خانواده بزرگ نشود. این مهم زمانی لباس واقعیت به تن خواهد کرد که عده‌ای کمر همت بسته، برای رفع مشکلات و از بین بردن اسباب اختلاف و نزاع و آگاه کردن مردم از حيله‌ها و ترفندهای دشمن - که مدام بذرکینه و دشمنی می‌کارد و از جمعیت جبهه مؤمنان می‌کاهد و بر عده و عده لشکر خود می‌افزاید - چاره‌ای بیندیشند. بی‌گمان این مسیر سخت و طاقت‌فرسا را بدون پای صبر و شکیبایی نمی‌تواند پیمود.

۲. رجا

از دیگر صفات اخلاقی - که به تناسب شرایط غیبت لازم است تقویت شود تا موجب ایمن شدن از لغزش‌های عصر غیبت شود - رجا است؛ یعنی داشتن نگاه مثبت و خوش‌بینانه به آینده، امیدواری به تحقق وعده‌های الهی و مایوس نشدن از ایجاد تغییرات مطلوب در آینده.

ضرورت حضور پررنگ این صفت اخلاقی در منظومه صفات اخلاقی منتظر را از جهات مختلفی می‌توان توضیح داد:

۱. از یک سو به درازا کشیده شدن دوران غیبت نقش پررنگی در گسترده شدن سایه ناامیدی بر سر منتظران دارد. انسان منتظر - که خود سال‌ها چشم‌انتظار تحقق فرج بوده است و به امید درک ظهور روزها و شب‌های بسیاری را سپری کرده است، به ویژه هنگامی که به گذشته می‌نگرد و نسل‌های متعددی را به نظاره می‌نشیند که با همین امید و اشتیاق چشم‌انتظار ظهور بوده‌اند، ولی بدون دستیابی به مراد خود سر در تیره‌تراب فرو برده‌اند - ممکن است به صورت ناخودآگاه به یأس و ناامیدی برسد و انگیزه‌هایش برای ماندن در مسیر رو به افول رود. از همین رو در این شرایط خاص نسبت به شرایط دیگر نیاز او به امید و داشتن نگاه مثبت به آینده بیشتر است.

۲. دیگر عاملی که موجب ایجاد ناامیدی می‌شود، گسترش روزافزون ظلم و تباهی و برخورداری جبهه باطل از عده و عده و قدرت و سرمایه است.

گسترش فساد و تباهی و ظلم و تجاوز، از شایع‌ترین معضلات دوران غیبت به شمار می‌آید. در این دوره بشر محروم مانده از هدایت‌های امام معصوم، چموشی را به نهایت می‌رساند و با سرکشی و طغیان تمام مرزها را می‌شکند و مؤمن منتظر - که

نظاره‌گر جولان بی حد و مرز سپاه تباهی است - از اصلاح ناامید می‌شود و امید ایجاد تغییرات مطلوب را از دست می‌دهد و از سوی دیگر، انبوهی لشکریان جبهه ظلم و تباهی - که افزون بر برخورداری از جمعیت انبوه، ثروت‌های نامشروع دنیا و منابع قدرت مادی را نیز در اختیار دارند - خود می‌تواند عامل دیگری برای تضعیف روحیه منتظران باشد؛ همچنان که در گذشته تاریخ، گاه شرایط چنان سخت و طاقت‌فرسا می‌شد که می‌رفت امیدمؤمنان به یأس تبدیل شود:

﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّهِمُ الْبَأْسَاءِ وَالصَّرَاءِ وَزُلُّوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ﴾. (بقره: ۲۱۴)

به همین دلیل در روایات متعددی پیشوایان معصوم نسبت به خطری که از این ناحیه وجود خواهد داشت هشدار داده‌اند و از فرورفتن در ورطه ناامیدی نهی کرده‌اند. از امام باقر علیه السلام در این باره چنین روایت شده است:

فَخُرُوجُهُ علیه السلام إِذَا خَرَجَ يَكُونُ عِنْدَ الْيَأْسِ وَالْفُتُوحِ مِنْ أَنْ يَزُولَ فَرَجًا؛ (نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۶۳)

و خروج آن حضرت، هنگامی که خروج می‌کند همزمان با یأس و ناامیدی مردم از دیدن فرج است.

از امام رضا علیه السلام چنین روایت شده است:

مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَانْتِظَارَ الْفَرَجِ أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَإِذْ يَقُولُ الْمُبَشِّرُونَ لِلْمُؤْمِنِينَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَئِنْ صَبَرْتُمْ لَنُرْسِلَنَّ عَلَيْكُمْ الْفَرَجَ﴾. «فَانْتَظِرُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ» فَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّهُ إِذَا جِيءَ الْفَرَجُ عَلَى الْيَأْسِ، فَقَدْ كَانَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ أَصْبَرَ مِنْكُمْ؛ (صدوق، ۱۴۰۵: ج ۲، ۶۴۵)

صبر و انتظار فرج چه نیکوست! آیا سخن خدای تعالی را نشنیدی که فرمود: «چشم به راه باشید که من نیز با شما چشم به راهم»؟ [و فرمود:]: «منتظر باشید که من نیز با شما از منتظرانم»؟ پس بر شما باد که صبر کنید که فرج پس از یأس می‌آید و پیشینیان شما از شما صابرتر بودند.

روایات یادشده گزارش‌گر وضعیتی هستند که در آخرالزمان تحقق خواهد یافت و از گسترش سایه یأس و ناامیدی بر سر مردم سخن می‌گویند. البته روشن است که این گزارش‌ها با هدف هشداردهی بوده است تا مؤمنان خود را برای مواجهه با تهدیدهای ناشی از این وضعیت مجهز کنند و خویش را از خطرات آن ایمن نمایند. این مطلبی است که در برخی از روایات دیگر به صراحت بیان شده است و توضیح داده شده که سیل بنیان‌کن یأسی که در آخرالزمان به راه

می‌افتد، نباید مؤمنان را با خود ببرد و منتظران باید برای ایمن ماندن از آسیب‌های آن، خاکریزهای امید و مثبت‌نگری را در وجود خود بلند و بلندتر کنند و از رحمت حق و امدادهای او ناامید نباشند.

انْتَظِرُوا الْفَرَجَ، وَ «لَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ»، فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ انْتِظَارُ الْفَرَجِ مَا دَامَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ؛ (همو، ۱۴۰۳: ۶۱۶)

منتظر فرج باشید و از رحمت خدا نومید نشوید که دوست داشتنی‌ترین اعمال نزد خدای عز و جل انتظار فرج است، مادامی که بنده مؤمن به انتظار آن چشم دوخته است.

در این روایت، ابتدا به انتظار فرج امر شده است و انتظار، هم ریشه در امید دارد و هم امیدآفرین است. از یک سو منتظر تا به آینده مطلوب ایمان نداشته باشد نمی‌تواند به انتظار آن بنشیند و از سوی دیگر، همین انتظار و چشم‌به‌راهی، امید را استمرار می‌بخشد و آن را از زوال محافظت می‌کند. بنابراین امر به انتظار، امر به امیدوار بودن و خوش بینی به آینده است و در ادامه، امیرمؤمنان پس از امر به انتظار، منتظران را نسبت به فروافتادن در وادی ناامیدی هشدار می‌دهد.

با توجه به آن چه گذشت، روشن می‌شود این که پیشوایان دینی به صورتی مؤکد مؤمنان را به انتظار دعوت کرده‌اند و با تعابیری چون «احب الاعمال» (همو)، «افضل الاعمال» (همو: ۶۲۱)، «افضل اعمال امتی» (همو، ۱۴۰۵: ۶۴۴)، «افضل العبادة» (همو: ۲۸۷)، «افضل اعمال شیعتنا» (همو: ۳۷۷)، «افضل جهاد امتی» (حرانی، ۱۴۰۴: ۳۷) و... از انتظار یاد کرده‌اند. این همه توصیه به انتظار، توصیه به امید نیز هست؛ زیرا انتظار، ریشه در امید دارد و نمی‌توان بدون داشتن امید به آینده، منتظر چیزی بود. بنابراین پیشوایان معصوم با توجه به شرایط خاص دوران غیبت، به ضرورت تقویت این صفت اخلاقی واقف بوده‌اند و توصیه‌های لازم را برای مجهز شدن به این صفت اخلاقی به مؤمنان ارائه کرده‌اند.

بنابراین مؤمن منتظر در دوران پرفراز و نشیب غیبت، به صورت ویژه نیازمند تقویت روحیه امید و پرهیز از ناامیدی است و این امید باید به اندازه‌ای تقویت شود که اگر غیبت هزار سال دیگر هم طول بکشد و اگر محیط به اندازه‌ای آلوده شود که همه را تحت تأثیر خود قرار دهد و اگر بازار تباهی آن قدر داغ شود که همه مردم را به سمت خود جلب کند و مؤمن یکه و تنها بماند، باز هم از تغییر اوضاع و تحقق آینده مطلوبی که مؤمنان بدان وعده داده شده‌اند، ناامید نگردد و انگیزه خود را برای تلاش در مسیر فراهم کردن زمینه‌های آن آینده طلایی از

دست ندهد.

۳. تسلیم

یکی دیگر از صفات اخلاقی مورد تأکید در روایات، تسلیم است. تسلیم یعنی این که انسان افزون برگردن نهادن به امر و نهی الهی، در قلبش هیچ شکایت و ناخرسندی نسبت به اوامر و نواهی و قضا و قدر او نداشته باشد.

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾. (نساء: ۶۵)

ضرورت تقویت شدن این ویژگی اخلاقی را از جهات گوناگونی می توان تحلیل کرد. از یک سو به صورت طبیعی، منتظران مهدی موعود علیه السلام مشتاقانه در انتظار تحقق ظهور هستند و قلب آنان مالا مال از شوق وصال محبوب است. این شیدایی گاه ممکن است به استعجال بینجامد و توقع تحقق هرچه زودتر ظهور را - هرچند بدون مهیا شدن زمینه ها - در دل ها سبز کند و چه بسا از این رهگذر به وادی اعتراض به قضای الهی کشیده شود و موجب ناخرسندی و شکایت از داده نشدن اذن قیام به امام قائم گردد. این همان استعجالی است که در روایات از ان نهی شده است.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

الْعَبْرَةُ عَلَىٰ مَنْ أَتَاهَا، هَلَاكَ الْمُحَاضِرُ. قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! وَمَا الْمُحَاضِرُ؟ قَالَ:
الْمُسْتَعْجِلُونَ... (کلینی، ۱۴۶۷: ج ۸، ۲۷۳ - ۲۷۴)

غبار بر سر کسی نشیند که آن را برانگیزد^۱ و محاضیر هلاک گشتند. [راوی می گوید:]
گفتم: قربانت گردم! محاضیر کیان اند؟ فرمود: شتاب کنندگان.

امام محمد بن علی التقی علیه السلام به عبدالعظیم حسنی فرمود:

الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ، وَ يُطَاعَ فِي ظُهُورِهِ، وَ هُوَ الثَّلَاثُ مِنْ وُلْدِي... وَ
سُمِّيَ الْمُنْتَظَرُ لِأَنَّ لَهُ غَيْبَةً يَطُولُ أَمْدُهَا، فَيَنْتَظَرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ، وَ يُنَكِرُهُ الْمُرْتَابُونَ، وَ
يَهْلِكُ الْمُسْتَعْجِلُونَ؛ (راوندی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۱۱۷۱ - ۱۱۷۲)

مهدی - که واجب است در عصر غیبتش در انتظار او باشند و در زمان ظهورش فرمان او اطاعت شود - فرزند سوم از اولاد من است... و «منتظر» نامیده شده؛ زیرا برای او غیبتی طولانی است که افراد مخلص، منتظر ظهورش هستند و شک کنندگان او را

۱. ضرب المثلی عربی است؛ یعنی هر کس فتنه ای برانگیزد زیانش به خود او برگردد.

انکار می نمایند و کسانی که عجله می کنند، هلاک می شوند.

بنابراین برای فائق آمدن بر این مشکل و پیش گیری از فروغلتیدن در این وادی، ضروری است مؤمن منتظر، عشق آتشین به محبوب خود را با تسلیم مدیریت کند و به همین دلیل، پیشوایان معصوم در کنار نهی از استعجال، از ضرورت تسلیم سخن گفته اند.

عبدالرحمن بن کثیر می گوید: در محضر امام صادق علیه السلام نشسته بودم که مهزم وارد شد و عرض کرد: قربانت گردم! به من خبر دهید این امری که در انتظارش هستیم کی واقع می شود؟ امام علیه السلام فرمود:

يَا مَهْزَمُ! كَذَّبَ الْوَقَّاتُونَ وَ هَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ نَجَّى الْمُسْلِمُونَ؛ (کلینی، ۱۳۶۷: ج ۱، ۳۶۸)

ای مهزم، وقت گذاران دروغ گفتند و شتاب کنندگان هلاک شدند و تسلیم شوندگان نجات یافتند.

صقر بن اَبی دلف می گوید: از امام جواد علیه السلام پرسیدم: ای فرزند رسول خدا، چرا او را قائم می گویند؟ فرمود:

لَأَنَّهُ يَوْمَ بَعْدَ مَوْتِ ذِكْرِهِ وَازْتِدَادِ أَكْثَرِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ. فَقُلْتُ لَهُ: وَ لِمَ سُمِّيَ الْمُنْتَظَرُ؟ قَالَ: لِأَنَّ لَهُ غَيْبَةً يَكْثُرُ أَيَّامُهَا وَ يَطْوُلُ أَمْدُهَا فَيَنْتَظِرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ وَ يُنْكِرُهُ الْمُزْتَابُونَ وَ يَسْتَهْزِئُ بِذِكْرِهِ الْجَاهِدُونَ، وَ يَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَّاتُونَ، وَ يَهْلِكُ فِيهَا الْمُسْتَعْجِلُونَ، وَ يَنْجُو فِيهَا الْمُسْلِمُونَ؛ (صدوق، ۱۴۰۵: ج ۲، ۳۷۸ - ۳۷۹)

زیرا او پس از آن که یادش از بین برود و اکثر معتقدان به امامتش مرتد شوند، قیام می کند. گفتم: چرا او را منتظر می گویند؟ فرمود: زیرا ایام غیبتش زیاد شود و مدتش طولانی گردد و مخلصان در انتظار قیامش باشند و شاکان انکارش کنند و منکران یادش را استهزا کنند و تعیین کنندگان وقت ظهورش دروغ گویند و شتاب کنندگان در غیبت هلاک شوند و تسلیم شوندگان در آن نجات یابند.

از سوی دیگر در عصر غیبت، در منظومه اعتقادات شیعه باورهایی وجود دارد که برای ذهن های نا آشنا با فرهنگ اهل بیت نامأنوس و غریب است. شیعه در این دوران به امامی که ندیده معتقد می شود و می پذیرد امامی که بسیاری او را بعد از تولد ندیدند واقعاً متولد شده او باور دارد این که یک انسان عمری بیش از هزار سال داشته باشد، امکان پذیر است و او به درازا کشیده شدن غیبت در این مدت طولانی را باور می کند و... این ها پاره ای از باورهایی است که شیعه در عصر غیبت می پذیرد و هویت مذهب تشیع با آن ها شکل می گیرد. روشن است که این باورها در نگاه اول، غریب و دور از ذهن جلوه می کنند و گردن نهادن به آن و زندگی بر

اساس آن، برای کسی که در وجود خود صفت تسلیم را تقویت نکرده باشد، سخت است. پذیرش چنین باورهایی تنها برای کسانی آسان است که چشم به دهان وحی دوخته و در برابر آن تسلیم محض باشند و آن چه از مصدر وحی صادر می شود را بدون هیچ کراهت و قیل و قالی بپذیرند.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِهِ؟ فَقُلْتُ: بَلَى. فَقَالَ: شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَالْإِقْرَارُ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ، وَالْوَلَايَةُ لَنَا، وَالْبِرَاءَةُ مِنَ أَعْدَائِنَا - يَعْنِي الْأَيُّمَةَ خَاصَّةً - وَالتَّسْلِيمَ لَهُمْ، وَالْوَرَعَ وَالْإِحْتِمَادُ وَالطَّمَأِينَةُ، وَالْإِنْتِظَارُ لِلْقَائِمِ عليه السلام. ثُمَّ قَالَ: إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِيءُ اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ. ثُمَّ قَالَ: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ، فَإِنْ مَاتَ وَقَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ، فَحَدِّثُوا وَانْتَظِرُوا، هُنَيْئًا لَكُمْ أَثْمَارُ الْعِصَابَةِ الْمَرْحُومَةِ؛ (نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۰۷)

آیا شما را از چیزی آگاه نکنم که خداوند بدون آن هیچ عملی را از بندگان نمی پذیرد؟ [راوی می گوید:] عرض کردم: بفرمایید. فرمود: گواهی دادن بر این که هیچ معبودی جز خدا نیست و این که محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست، و اقرار به هر آن چه خداوند امر فرموده و ولایت برای ما و بیزاری از دشمنان ما و تسلیم شدن به آنان و پرهیزگاری و کوشش و خویشتن داری و چشم به راه قائم علیه السلام بودن. سپس فرمود: همانا ما را دولتی است که هرگاه خداوند بخواهد آن را بر سر کار می آورد. سپس فرمود: هر کس که از در شمار یاران قائم بودن شادمان می شود باید منتظر باشد و با حال انتظار به پرهیزگاری و خلق نیکو رفتار کند. پس اگر اجلش برسد و امام قائم علیه السلام پس از درگذشت او قیام کند، پاداش کسی را خواهد داشت که آن حضرت را درک کرده باشد. پس بکوشید و منتظر باشید. گوارا باد شما را ای جماعتی که مشمول رحمت خدا هستید!

۴. عفت

از دیگر صفات اخلاقی - که در عصر غیبت ضرورت تقویت آن دوچندان می شود - عفت است. عفت صفتی نفسانی است که مانع از غلبه شهوت می شود (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۳۳۹) و عفت ورزیدن به معنای بازداشتن خود است از آن چه قبیح است (رازی، ۱۴۰۴: ج ۴، ۳). ضرورت پررنگ شدن این ویژگی اخلاقی با توجه به شرایط خاصی که در آخرالزمان پدید می آید، بی نیاز از توضیح است. در این دوران - که شیطان تمام سواره و پیاده خود را برای گمراه کردن انسان ها بسیج می کند و رسانه ها با وقاحت تمام، انواع و اقسام لذت جویی های جنسی و

دیگر مظاهر دنیاخواهی را تبلیغ و توزیع می‌کنند و بشر، انحطاط اخلاقی را به نهایت آن می‌رساند - بیش از هر زمان دیگری باید به سلاح عفت مجهز بود؛ چرا که بدون برخورداری از عفت - آن هم مرتبه‌ای از عفت که بتواند انسان را در برابر این هجوم از مظاهر دلربا و فریبنده دنیا بیمه کند - نمی‌توان در مسیر حق استوار ماند؛ زیرا به صورت طبیعی وقتی که حمله دشمن شدت می‌گیرد باید دفاع نیز متناسب با آن سامان داد و خاکریزها را نیز به همان نسبت تقویت کرد.

به همین دلیل، در روایات نیز بر ضرورت آراسته شدن مؤمنان منتظر به این ویژگی تأکید شده است؛ روایاتی همچون «مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَ انْتِظَارَ الْفَرْجِ» (صدوق، ۱۴۰۵: ۶۴۵) و سایر روایاتی که در کنار توصیه به انتظار فرج، به بردباری توصیه کرده‌اند، می‌توانند ناظر به همه اقسام صبر و از جمله صبر در برابر معصیت نیز باشند (کلینی، ۱۳۶۷: ج ۲، ۹۱). بنابراین توصیه به صبر در واقع توصیه به عفت و ورزیدن نیز هست؛ همچنان که در روایات متعددی به منتظران توصیه شده است تقوا پیشه کرده و اهل و رع و پرهیزگاری باشند.

امام صادق علیه السلام فرموده است:

إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَ لِيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ؛ (صدوق، ۱۴۰۵: ج ۲، ۳۴۳)

صاحب این امر، غیبتی خواهد داشت. پس بنده باید تقوای الهی را رعایت کند و به دینش چنگ زند.

در توقیع منسوب به امام مهدی علیه السلام نیز چنین آمده است:

... فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِيٍّ مِنْكُمْ مِمَّا يَتَقَرَّبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا، وَ يَتَجَنَّبُ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كِرَاهَتِنَا وَ سَخَطِنَا ...؛ (طبرسی، ۱۳۸۶: ج ۲، ۳۲۳-۳۲۴)

... هر یک از شما باید به آن چه به وسیله دوستی ما به آن تقرب می‌جست عمل کند و از آن چه او را پست می‌گرداند و خوشایند ما نیست اجتناب نماید....

به نظر می‌رسد این که در این روایات و روایات مشابه - که در صدد بیان وظایف دوران انتظارند - به صورت خاص به تقوا و ورع توصیه شده است. این توصیه از این باب نیست که مؤمنان در همه شرایط و در همیشه تاریخ مأمور به پرهیزگاری هستند. این تخصیص به ذکر و بیان این ویژگی از میان تمام ویژگی‌های اخلاقی می‌تواند به این دلیل باشد که با توجه به شرایط دوران غیبت، تخلق منتظران به این صفت اخلاقی ضروری‌تر است و مؤمنان برای گذر سالم از عقبه‌های سخت این دوران، نیازمند آن‌اند که این ویژگی اخلاقی را به صورت خاص در وجود خود تقویت کنند.

۵. مواسات

برخی دیگر از ویژگی‌های اخلاقی - که در دوران غیبت نیازمند تقویت شدن هستند - ویژگی‌های ناظر به روابط اجتماعی مؤمنان هستند؛ ویژگی‌هایی که براساس آن‌ها مؤمنان نیازهای اقتصادی، عاطفی، معرفتی و سایر نیازهای یکدیگر را برطرف می‌کنند مواسات، تعاون، احسان، رأفت، سخاوت و مدارا از جمله این صفات اخلاقی به شمار می‌آیند. منتظرانی که به چنین ویژگی‌های اخلاقی آراسته باشند تلاش خواهند کرد تا اندازه ممکن نیازهای یکدیگر را برطرف کنند، از آلام و اندوه‌های یکدیگر بکاهند، در سختی‌ها و مشکلات یکدیگر را تنها نگذارند، با ایجاد فضای دوستانه و صمیمی نیازهای عاطفی یکدیگر را تأمین کنند و در نتیجه، یار و مدد کار یکدیگر در پیمودن مسیر سخت و طاقت‌فرسای غیبت باشند. ضرورت تقویت شدن صفات اخلاقی مورد نظر را از جهات مختلفی می‌توان تحلیل کرد:

از یک سو یکی از مسئولیت‌های امام، تلاش برای حل مشکلات جامعه اسلامی و ارائه پاسخ مناسب به دغدغه‌ها و نیازمندی‌های مختلف مردم است و امام در دوران حضور به دلیل رسالتی که در این زمینه برعهده دارد، به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در این مسیر قدم برخواهد داشت. روشن است که در شرایط غیبت برای امام، امکان انجام این مسئولیت به اندازه دوران حضور فراهم نیست و در نتیجه مؤمنان باید با تلاش مضاعف خود خلأهای موجود را پر کنند و این بدون تقویت صفات اخلاقی متناسب با آن امکان‌پذیر نخواهد بود.

از سوی دیگر، در این دوران پرمحنت به دلیل غیبت امام و محروم بودن جامعه ایمانی از هدایت‌ها و راهنمایی‌های او، در اثر فشارها و هجمه‌های دشمن، سختی‌هایی که از این ناحیه ایجاد می‌شود بیش از پیش آثار خود را بر جامعه اسلامی نشان خواهد داد و مؤمنان مرارت‌های ناشی از کینه‌ورزی‌های جبهه شیطان را بیش از پیش احساس خواهند کرد. حتی به حسب روایات، هرچه به دوران ظهور نزدیک می‌شویم، بر شدت دشمنی‌ها و سختی‌ها افزوده خواهد شد.^۱ بنابراین تقویت صفات اخلاقی یادشده ضروری خواهد بود تا بتوان از شیعیان در شرایط سخت دستگیری نمود و آنان را برای گذر از این دوران پرمحنت یاری کرد.

همچنین با وجود هجوم وسیع مشکلات و در شرایط محرومیت از حضور امام آن‌چه مشکل را مضاعف می‌کند، کم‌رنگ شدن ارزش‌های اخلاقی و انسانی و بی‌توجهی مردم نسبت به وظایفی است که نسبت به یکدیگر دارند و این خود دلیل مستقل دیگری است که اقتضا

۱. امام صادق علیه السلام فرمود: کَلَّمَا تَقَارَبَ هَذَا الْأَمْرُ كَانَ أَشَدَّ لِلتَّقِيَّةِ. (کلینی، ۱۳۶۷: ج ۲، ۲۲۰)

می‌کند مؤمنان نسبت به انجام وظایف در قبال یگدیگر کوشاتر باشند تا هجم وسیع‌تری از خلأها را پر کنند و مشکلات بیشتری را حل نمایند و این جز با تقویت صفات اخلاقی متناسب امکان‌پذیر نیست.

سرانجام این‌که در عصر غیبت، باید زمینه‌ها را برای ظهور امام فراهم کرد و یارانی در تراز اهداف امام تربیت نمود. باید تا حد ممکن برای توسعه اردوگاه امام و تقویت جبهه حق و تضعیف اردوگاه شیطان کوشید. روشن است که جامعه لبریز از مشکلاتی که با انواع ناهنجاری‌ها و نامالیمات دست به گریبان است، نمی‌تواند پایه پای امام، در مسیر اهداف او حرکت کند و چه بسا مشکلات زندگی هر روز تعدادی از افراد را اردوگاه امام جدا نماید! این خود دلیل دیگری است که اقتضا می‌کند مؤمنان نسبت به انجام وظایفی که نسبت به یگدیگر دارند اهتمام بیشتری داشته باشند و صفات اخلاقی متناسب با آن را هرچه بیشتر تقویت نمایند. برخی از روایاتی که به این بخش از وظایف منتظران اشاره کرده‌اند بدین قرارند:

امام باقر علیه السلام در این باره فرموده است:

لِيُعِنَ قَوِيكُمْ ضَعِيفَكُمْ، وَ لِيُعْطِفَ غَنِيكُمْ عَلَى فَقِيرِكُمْ، وَ لِيُنْصَحَ الرَّجُلُ أَحَاهُ كُنُصْحِهِ لِنَفْسِهِ ... وَإِذَا كُنْتُمْ كَمَا أَوْصَيْنَاكُمْ، لَمْ تَعْدُوا إِلَيَّ غَيْرِهِ، فَمَاتَ مِنْكُمْ مَيِّتٌ قَبْلَ أَنْ يُخْرَجَ قَائِمًا كَانَ شَهِيدًا، وَ مَنْ أَدْرَكَ مِنْكُمْ قَائِمًا قُتِلَ مَعَهُ كَانَ لَهُ أَجْرُ شَهِيدَيْنِ، وَ مَنْ قَتَلَ بَيْنَ يَدَيْهِ عَدُوًّا لَنَا كَانَ لَهُ أَجْرُ عَشْرَيْنِ شَهِيدًا؛ (طوسی، ۱۴۱۴: ۲۳۲)

اقویای شما به ضعیفا کمک کنند. و اغنیای شما از فقرا دلجویی نمایند. و هر مردی از شما برای برادر دینی‌اش خیرخواه باشد، آن‌چنان‌که خیر خودش را می‌خواهد... اگر شما چنین بودید و از این حدود تجاوز نکردید و پیش از ظهور قائم ما، کسی از شما بمیرد شهید از دنیا رفته است. و هر کس قائم ما را درک کند و در رکاب او کشته شود، ثواب دو شهید دارد، و هر کس در رکاب او یکی از دشمنان ما را به قتل رساند ثواب بیست شهید خواهد داشت.

قِيلَ لِأَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ علیه السلام: إِنَّ أَصْحَابَنَا بِالْكَوْفَةِ جَمَاعَةٌ كَثِيرَةٌ فَلَوْ أَمَرْتَهُمْ لِأَطَاعُوكَ وَ اتَّبَعُوكَ. فَقَالَ: يَجِيءُ أَحَدُهُمْ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ مِنْهُ حَاجَتَهُ؟ فَقَالَ: لَا. قَالَ: فَهَمَّ بِدَمَائِهِمْ أَجَلٌ؛ (مفید، ۱۴۱۴: ۲۴)

به امام باقر علیه السلام عرض شد: اصحاب ما در کوفه بسیارند؛ اگر به آن‌ها دستور دهید اطاعت و پیروی می‌کنند. امام فرمود: آیا یکی از این‌ها از جیب برادرش نیازش را برمی‌دارد؟ عرض شد: خیر. امام فرمود: پس اینان نسبت به خونشان بخیل‌ترند.

در نامه منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام برای صدوق اول نیز چنین آمده است:

أما بعد: أوصيك يا شيخي ومعتدي و فقيهي أبا الحسن علي بن الحسين بن بابويه القمي - وفقك الله لمرضاته، وجعل من ولدك أولاداً صالحين برحمته - بتقوى الله، وإقام الصلاة، وإيتاء الزكاة، فإنه لا تقبل الصلاة من مانعي الزكاة، وأوصيك بمغفرة الذنب، وكظم الغيظ، وصله الرحم، ومواساة الاخوان، والسعي في حوائجهم في العسر واليسر، والحلم عند الجهل، ... و عليك بالصبر وانتظار الفرج فإن النبي ﷺ قال: أفضل أعمال امتي انتظار الفرج، ولا تزال شيعتنا في حزن حتى يظهر ولدي الذي بشر به النبي ﷺ بئلاً الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً! (نوری طبرسی، ۱۴۱۵: ج ۳، ۲۷۷ - ۲۷۸)

ای فقیه مورد اعتماد من، علی بن الحسین بن بابویه القمی، خداوند تو را به کارهای مورد رضایتش توفیق دهد و از نسل تو، اولاد صالح بیافریند! تو را به رعایت تقوا و برپا داشتن نماز و ادای زکات وصیت می‌کنم؛ زیرا کسی که زکات نپردازد، نمازش قبول نخواهد شد. و نیز تو را سفارش می‌کنم به بخشایش گناه دیگران و خویشتن داری به هنگام خشم و غضب، ارتباط با خویشاوندان، مواسات با برادران دینی و کوشش در رفع نیازهای آن‌ها در تنگدستی و گشاده دستی، بردباری بر نادانی... نیز تو را به صبر و پایداری و انتظار فرج توصیه می‌کنم؛ زیرا پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «بهترین کارهای امت من، انتظار فرج است.» شیعیان ما همواره در غم و اندوه به سر می‌برند تا فرزندم ظهور کند؛ همان کسی که پیامبر ﷺ بشارت آمدنش را داده است. او زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است.

آن چه گذشت برخی از صفات اخلاقی بود که در روایات بر آن‌ها تأکید شده است و البته بدون تردید آن دسته از صفات اخلاقی که با توجه به شرایط عصر غیبت باید تقویت شوند منحصر در موارد یاد شده نیستند و با کاوش در روایات بر اساس مدل یاد شده، می‌توان به این فهرست، موارد دیگری نیز افزود.

نتیجه

عصر غیبت می‌تواند اخلاق کاربردی مخصوص به خود داشته باشد و ترسیم اخلاق کاربردی عصر غیبت نه تنها ممکن، که یک ضرورت است؛ زیرا با توجه به شرایط ویژه و دشواری‌ها و مشکلات خاصی که در این دوران وجود دارد، نمی‌توان بدون تدوین منشور اخلاقی متناسب با این شرایط و برنامه‌ریزی برای تثبیت و توسعه و تقویت صفات اخلاقی متناسب با آن از مسیر پرپیچ و خم و آکنده از فتنه‌ها و ابتلائات این دوران عبور کرد. ویژگی‌های اخلاقی‌ای همچون بردباری، رجا، تسلیم، عفت و مواسات، برخی از این صفات

اخلاقی هستند که در روایات نیز به صورت خاص بر آن‌ها تأکید شده است. بی‌گمان این تخصیص به ذکر، به سبب نقشی ویژه‌ای بوده است که این صفات اخلاقی در حیات مؤمنانه و زندگی متخلّقانه در عصر غیبت ایفا می‌کنند و البته آن‌چه گذشت تنها نمونه‌ای از صفاتی بود که در روایات بدان تأکید شده است.



منابع

- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، نجف، المكتبة الحیدریة، ۱۳۷۶ق.
- جمعی از نویسندگان، اخلاق کاربردی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷ش.
- حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- خزاز قمی، علی بن محمد بن علی، کفایة الاثر، قم، نشر بیدار، ۱۴۰۱ق.
- رازی، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقانیس اللغة، قم، مكتبة الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- راغب اصفهانی، محمد بن حسین، مفردات غریب القرآن، بی جا، دفتر نشر کتاب، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- راوندی، قطب الدین، الخرائج والجرائح، قم، مؤسسة الامام المهدي عليه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الخصال، قم، منشورات جماعة المدرسين، ۱۴۰۳ق.
- _____، کمال الدین وتمام النعمة، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۰۵ق.
- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، نجف، دار النعمان، ۱۳۸۶ق.
- طوسی، محمد بن حسن، الامالی، قم، دار الثقافة، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چاپ سوم، ۱۳۶۷ش.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الاختصاص، بیروت، دارالمفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، کتاب الغیبة، قم، انوار الهدی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- نوری طبرسی، حسین بن محمد تقی، خاتمة المستدرک، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.